

تأملی بر رویکرد غیر حرفه ای یک سایت سینمایی

کافه ای با سرویس بی اخلاقی!

طی ماه های گذشته در فضای مجازی، یک سایت سینمایی با تظاهر به اطلاع رسانی و نقد تخصصی سینما، در حال پی گیری اهداف تجاری مالکنش است. ورود به حريم شخصی هنرمندان و انتشار عکس های غیراخلاقي، به یکی از روش های مرسوم این سایت برای بالا بردن تعداد بازدیدکنندگان تبدیل شده است. نکته قابل تأمل این است که این سایت توسط دو تن از منتقدان سینما اداره می شود؛ منتقدانی که خود را معلم سینما می دانند، اما توان قادری در جلب توجه از راه حرفه ای ندارند! نکته دیگر این است که گردانندگان این سایت، از طرف های قرارداد دولت در برخی از پروژه های سینمایی بوده اند. یادداشت زیر در نقد عملکرد این سایت توسط یکی از منتقدان سینما که خواسته نامش محفوظ بماند نوشته شده و برای انتشار در اختیار کیهان قرار گرفته است.



باوجودی که ایران اسلامی به تاسی از قانون و مقررات نسبت به آزادی بیان چارچوب خاصی را برای رعایت حقوق شهروندان در ابراز اندیشه و فکر قائل است، متأسفانه برخی افراد با راه اندازی سایت‌ها یا پیگاه های به ظاهر اطلاع رسانی در فضای مجازی یا را از این چارچوب های قانونی فراتر گذاشته اند. آن‌ها به جای رعایت اخلاقی حرفه ای و مقرراتی و پایبندی به شروطی بی طرفی دراطلاع رسانی دقیق و شفاف به مردم اهداف خود را که همانا کسب شهرت و درآمدزایی به هر قیمت است را درپیش گرفته اند.

آن‌ها درچنین مسیری حتی به هتک حرمت افراد ، پرده دری و حتی ورود غیر قانونی به حريم خصوصی افراد سرشناس و عادی نیز می پردازند!متأسفانه اعتماد به بعضی از کارگزاران خیر و اطلاع رسانی از سوی مراجع متولی موجب شده تا در برخی موارد انتشار تصاویر خارج از اخلاق و موازین اسلامی و یا اخبار و مصاحبه های غیرحرفه ای با برخی افراد که جریان های فکری غیر ارزشی و مخالف با نظام دارند اذهان عمومی را تشویق کند که بی شک تاوان آن نیزبیز قابل جبران است.

در این میان سایت “کس” که زمانی به موجب کارآمدی و روایت اخلاق مداری مسورد اعتماد مردم بخصوص اهل سینما بود، متأسفانه اکنون از مداراخلاق حرفه ای

سردمدار انتشار اخبار وتصاویری است که خارج از عرف و اخلاق است.اگرچه هیچ کس مخالف نقد منصفانه نیست اما چرا باید کجاوه مسیر به سمت دیگر برای کسب شهرت و ثروت کج شود و قداست قلم که خداوند بزرگ به حرمت وجایگاه رفیع آن در قرآن یاد کرده است از سوی بعضی این گونه شکسته شود. اما متأسفانه این کافه با حاشیه سازی های مکرر تلاش می کند نظر مخاطبان را جلب کند، و به تازگی کاری بس تاسف انگیز کرده است و گشته و گشته تا بالاخره صاحب تصویر خانم ایرانی بدون حجاب اسلامی در بین تماشاچیان مسابقه والیبال ایران و ایتالیا را پیدا کرده و با وی به گفت و گوی

فصلی پرداخته و ابراز خرسندی ایشان را رانی دهد تا برای کسب شهرت یا بالا بردن بازدیدکنندگان خود جوب حراج به آبروی خود و دیگران بزند.

برخی متأسفانه با استفاده ازآزای از نظام اطلاع رسانی جدید حرمت قلم را شکسته، به آسباب دشمن آب می ریزند. چرا حکایت میهم مجری معروف تلویزیون و یا انعکاس مصاحبه با تماشاچی مسابقات ورزشی در فراسوی مرزها ویا انتشار تصاویر خوانندگان ومطربان ایرانی مقیم خارج از کشور ….. باید از این سایت منعکس شود و در کافه معروف خود کام مخاطبان را با سرویس دهی غیراصولی به دور آزشئونت اسلیمی تلخ کند؟ این سایت به دنبال چیست؟ و چرا

نگاهی به فیلم «چه خوبه که برگشتی» اثر داریوش مهرجویی

مهمل گویی پریشان به اضافه بلبشوی تصویری

■ محمدرضا محقق

ملتهب و درهم ریخته و اگرچره و ایسورد و جنگ و پست‌مدرن روبه روییم که تلاش می‌کند نشان دهد در قید و بند هیچ چیزی نیست و نه به سینما پای بند است و نه حتی به آدمیت!

به همین دلیل است که باورود یک زن



فیلم اخیر مهرجویی یک بازار شام سلخته و بلبشو و درهم و برهم است که از خانواده و ارتباط و حتی عشق و علاقه فقط نوعی سادیسم و مازوخیسم دهشتناک را با خود دارد.

به یک محفل شبه خانوادگی دو دوست قدیمی برای رسیدن به او همدیگر را لت وپار کنندو قید همه چیز رامی زنند و همه چیز را درب وداغان نموده و به هم می‌ریزند؟(دعواهای فیلم تنه به دیگری های الکی در بعضی فیلم های هندی می زند)
و همه این ها لایند در خدمت نشان دادن عشق !؟

آخر در یکی از دیالوگ های فیلم یکی از شخصیت های روان پریش و ملتهب فیلم می‌گوید- ادعا می‌کنند!- که می‌خواهد



"قصه ما مثل شد روی آنتن پویا مجموعه انیمیشن "قصه ما مثل شد" به کارگردانی امیر محمد دهستانی در ۲۶ قسمت ۱۰ دقیقه ای با تکنیک دو بعدی تولید و هم اکنون در کنداکتور پخش شبکه پویا قرار گرفته است.

این انیمیشن روایت داستان ها، حکایت ها و قصه های قدیمی است که به صورت ضرب المثل در آمده و به گونه طنز به تصویر کشیده شده است. انیمیشن "قصه ما مثل شد" از شنبه ۲۶ مرداد هر روز ، ساعت ۲۰:۱۹ از شبکه پویا پخش می شود.

نمایش مسیر عبور امام رضا(ع) از مدینه تا مرو مستند "خورشید" که مسیر عبور امام رضا(ع) از مدینه تا مرو را به تصویر می‌کشد، هم‌اکنون مراحل پایانی تولید خود را می‌گذراند تا در جشنواره فیلم مستند و کوتاه رضوی در یزد حضور یابد.

احمد صراف کارگردان مستند خورشید گفت: این فرصت مغتنم موفقیت های قهرمانان ایران زمین بهره جسته و همه توانی را که صرف این حاشیه سازی باعث شده تا نظر تعداد و انتشار اخباری جذاب برای ۷۰ میلیون هموطن خود می‌کرد، قطعاً از جایگاهی رفیع تر برخوردار می‌شد تا دیگر برای بزرگ نشان دادن خود نیازمند پله و سکو نباشد.

بدون شک یکی از چالش های اساسی مدیریت فرهنگی دولت یازدهم، عرصه پر هیاهو و جنجال سینماست. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بدون در نظر گرفتن مسائل ایمن وادی، نباید و نمی تواند اقدام به انتصاب رئیس سازمان سینمایی نماید. به بیان بهتر، باید فردی عهده‌دار این مسئولیت شود که اول با این مشکلات به خوبی آشنا باشد و دوم اینکه از اراده و طلب تغییر شرایط نیز برخوردار باشد.

شاید نخستین معضلی که مدیر آینده سینمای کشور با آن برخورد نماید، کشمکش ها و اختلافات فراوان میان افراد، جریان ها و طیف های فعال و غیرفعال سینما باشد. افرادی که اخبار و وقایع مربوط به حوزه سینما را دنبال می‌کنند به خوبی با عمق این مسئله آشنا هستند. اما واقعیت این است که این مشکلات، معلول زمینه تاریخی عرصه هنر هفتم ایران است. برای حل معضلات و مسائل کنونی، ابتدا باید این زمینه ها را به خوبی شناخت آنچه اکنون به عنوان «سینمای ایران» چه در قالب فیلم های که ساخته و به نمایش درمی آید و چه به شکل اصناف و جمعیت های سینمایی، حاصل افزون بر یک قرن فعالیت سینما در کشورمان است، سابقه ای که بیش از زیبایی و نیکی و فایده، ضرر و تخریب و زشتی را به همراه داشته است.

برای آسیب شناسی وضع حال هنر هفتم در ایران وترسیم چشم اندازی روشن برای آن، باید به مطالعه سرگذشت حیات این هنر- صنعت در این بیش از یکصد سال همت گمارد. با این مطالعه می‌توان، قوانین و قواعد و الگوهای نسبتاً ثابتی را برای حرکت سینما و اتفاقاتی که در آینده برای آن خواهد افتاد، مشخص کرد.

مهم ترین قاعده به وقوع پیوسته در تاریخ سینمای ایران، فقدان هویت در آن است. به بیانی بهتر، سینما در ایران هیچ گاه ملی نبوده و نیست. به جز برخی استثناها، اغلب نزدیک به همه فیلم های سینمای ما، ایرانی نبوده اند. این به خاطر خشت کچی است که در ابتدای فعالیت سینما در کشورمان بنا نهاده شد.تاریخ به ما نشان می‌دهد که این سینما توسط پادشاه واده و ذابلی به نام مظفرالدین شاه قاجار واردایران شد و بعدها توسط افراد معلوم الحالی چون «میرزا ابراهیم خان صحاف باشی»، «واتس اوگانیانس»، «عبدالحسین سپنتا»، «اسماعیل کوشان» و… گسترش یافته و توسعه یافت. افرادی که عضو فرقه ها و تشکل هایی فراماسونی و استعماری بودند و سینما را نیز به عنوان ابزاری برای

تعمیل فرهنگ غرب و نابود کردن فرهنگ اسلامی در ایران به کار می‌بردند. به همین دلیل است که می‌گوییم سینمای ایران ملی نبوده و یک پدیده وارداتی محسوب می‌شود که به جز فیلم هایی که درحفاصل تقریبی سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ ساخته شدند، وجه غالب و حداکثری آن در تضاد با فرهنگ بومی ما بوده است.سینمای ملی یعنی سینمایی که منعکس کننده فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان های یک ملت باشد. در ایران، سینما تنها با پیوند میان تاریخ، جغرافیا، مردم و قومیت ها و از همه مهم تر، دین و مذهب پدیدار می‌شود. معدود فیلم‌هایی هم که از آن‌ها به عنوان آثار ملی یاد می‌شود، در بردارنده این عناصر هستند.



جدیدی امتحان کند. «شام ایرانی» بیرنگ اما کپی برابر اصل نمونه ماهواره ای این برنامه بود که سال‌ها به آنتن یکی از شبکه های فارسی زبان ماهواره ای می‌رفت، با این تفاوت که مهمانی های شام بیرنگ با حضور بازیگران سینما و تلویزیون برگزار می‌شد. «شام ایرانی» مانند سایر آثار شبکه خانگی در روزهای اول فروش مناسبی داشت اما باز هم به عاقبت تکراری سرپال های این شبکه است دچار شد و با ورود نسخه قاچاق به بازار، گرمی گذشته را از دست داد و پس از توزیع دو سری چهار قسمتی با توفقی یک ساله روبرو شد و سری سومش پس از این تاخیر زمانی، سرانجام بهار امسال به شبکه نمایش خانگی آمد اما نتوانست نبض شبکه نمایش خانگی را باز یابد.

صفحه ۷
دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۲
۱۱ شوال ۱۴۳۴ - شماره ۲۰۵۶۹

سینمای ایران و چشم اندازهای پیش رو

عبور از گردنه های حیرانی هنر هفتم!

■ رضا علوی

لازم برای تحول سینما و شکوفایی آن را فراهم کنند. به عنوان مثال، خیلی عجیب است که دولت، دم از رشد و تعالی سینما می‌زند، اما هنوز هم در دانشکده های هنری و سینمایی وابسته به دولت، چهارچوب های شناختی و معرفی غربی درباره سینما جامعه، دارای یک چهارچوب معرفی است که زمینه حرکت و جریان یافتن را برای آن مشخص می‌کند. چهارچوب سینمای ایران در حال حاضر، بیگانگی با فرهنگ و آرمان های ملی و دینی است.

ما طی ۲۴ سال گذشته تجربه‌های خوبی را در زمینه سینمای ملی داشته‌ایم، اغلب این تجربه ها در حیطه دفاع مقدس بوده است. زیرا در دوره ای از زمان جنگ دغدغه اصلی بسیاری از فیلمسازهای جوان ما بود. عده ای از سینماگران



ایرانی با فضای جبهه و آدم های آن در ارتباط بودند و به همین دلیل توانستند

آثاری را تولید کنند که هنوز هم می‌توان آنها را به عنوان بهترین های تاریخ سینمای کشورمان قلمداد کرد. فیلم‌هایی مانند «دیده بان» و «مهاجر» هر دو به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، «سفر به جزایه» ساخته مرحوم رسول ملاقلی پور، «صور در آتش» اثر عزیزالله حمیدزاد، «حماسه مجنون» ساخته جمال شورهجه و قوه های هستند که در قالب فیلم های دفاع مقدسی، سینمای ملی را پدیدار کردند. خارج از حیطه این گونه آثار هم فیلم هایی مانند «چه های آسمان» اثر مجید مجیدی، سری فیلم های «قصه های مجید» به کارگردانی کیموثر پوراحمد، «سادر» ساخته مرحوم علی حاتمی، «زیر نور ماه» به کارگردانی سیدرضا میرکرمی و در سال‌های اخیر فیلم «ملاو مس» اثر همایون سعیدیان نمونه های شاخص از سینمای ملی غیرکنگنی هستند. با بررسی و تحلیل همه این آثار، می‌توان در آن‌ها ارتباط قوی میان شرایط اجتماعی، دین و مردم را دید.هر دو جریان سینمای ایران و سینمای شیب روشنفکری (جشنواره ای) حاصل مردم گریزی و مردم فریبی هستند. این در حالی است که

سینمای ملی با پیوند خوردن با مردم و به بیانی دیگر مردمی شدن پدید می‌آید. کاری که مدیران فرهنگی و رسانه ای و سینمایی می‌توانند انجام دهند این است که از یک طرف مردم را به سینما آورند و هنر هفتم فراهم کنند و از طرف دیگر زمینه هایی را به وجود آورند تا سینماگران با مردم بیشتر در تماس و تعامل باشند.این در حالی است که نهادهای تصمیم گیرنده و سیاستگذار، زمینه های نقش امیر فربین و مسیره‌های حرکت را برای این عوامل تعیین می‌کنند. برای اساس، نهادهای موثری چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، صدا و سیما و به خصوص سازمان سینمایی، می‌توانند راهبردهای

نیستند و قابلیت نمایش واقعیت ها و روح

کشورایران دارای بزرگه ها و نقاط عطف و تلخ تاریخی بسیاری بوده است. اتفاقاتی چون هجوم بیگانگان در مقاطع مختلف تاریخی و مقاومت های مردمی که عمدتاً با راهبری شخصیت های دینی انجام شده اند، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و کشمکش هایی که طی چند سال اخیربه وقوع پیوستند و… اما متأسفانه سینمای ما و این واقعیت‌ها فاصله دارد. گویی با جامعه و مردم خویش بیگانه است. این از خودبیگانگی رخنه کرده در جسم و روح هنر هفتم ایران سرمنشا همه بلایا و مسائل ناگواری است که در آن رخ می‌دهد. چنانچه فاصله سینما و سینماگران ما با مردم، دین، فرهنگ و تاریخ و جغرافیای ایران کم شود، بدون تردید بسیاری از این اختلافات و درگیری‌ها و همچنین سایر چالش‌ها هم از میان خواهد رفت. چرا که همواره به وجود آمدن تنش در درون خانواده‌ها نتیجه بی مسئله بودن، بی هویتی و اسیر روزمرگی شدن است، اما ارمانگرایی و هویت‌مندی یک گروه مثل جامعه سینمایی کشور ما، خود به خود عامل پیوند و نزدیکی و وحدت و حل سایر معضلات می‌شود. برخلاف خیلی از اظهارنظرهای تنگ نظرانه

و مایوس کننده که راه را بسته می‌دانند و هیچ آمیدی به بهبود سینما در کشور را ندارند، هنر هفتم ما حتی با ضاعت کنونی نیز قابلیت و استعداد راست کردن قامت خود را داراست.گرچه عوامل اصلی سینما، هنرمندان این عرصه محسوب می‌شوند، این کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگان، فیلمنامه نویسان، بازیگرها و… هستند که سینمای هر کشوری را می‌سازند، اما واقعیت این است که نهادهای تصمیم گیرنده و سیاستگذار، زمینه های نقش امیر فربین و مسیره‌های حرکت را برای این عوامل تعیین می‌کنند. برای اساس، نهادهای موثری چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، صدا و سیما و به خصوص سازمان سینمایی، می‌توانند راهبردهای

ماجراهای تاخیر و توقف های ادامه دار سریال های شبکه نمایش خانگی در سالهای اخیر باعث شده است که مردم مانند روزهای ابتدایی به سریال های این شبکه اعتماد نداشته باشند

مهرو مار شبکه نمایش خانگی

همه اتفاق هایی که برای سریال های شبکه خانگی رخ داد، اما نتوانست از جذبه این شبکه در میان کارگردانان بکاهد و هنوز هم کارگردانان بسیاری هستند که رویای ساخت سریال در این شبکه را در سر می‌پروراند و در این میان هر بار خبر از ورود فیلم ساز جدیدی به شبکه نمایش خانگی شنیده می‌شود. سال گذشته بود که خبری مبنی بر اینکه رضا عطاران و کمال تبریزی قصد دارند سریالی را برای شبکه نمایش خانگی بسازند در رسانه های منتشر شد. پس از آن نوبت نیکی کریمی بود که خبر از تولید سریالی برای شبکه نمایش خانگی و به تهیه کنندگی هدایت فیلم بدهد. حضور نام های متفاوت در فهرست کارگردانی که می‌خواهند در شبکه نمایش خانگی سریال بسازند ادامه پیدا کرد تا اینکه داوود میرباقری کارگردان پروژه عظیم «خنتارنامه» مخرن طنزی به نام شاهگوشی را برای عرضه در شبکه نمایش خانگی کلید زد. سریالی که از همان روزهای ابتدایی اش با موجی از خبرها روبرو شد و این روزها تمام مراحل تولیدش با بازخورد رسانه ای گسترده همراه می‌شود.

میرباقری کشتی شبکه نمایش را به لنگرگاه می‌رساند؟

ماجرای تاخیر و توقف های ادامه دار سریال های شبکه نمایش خانگی در سالهای اخیر باعث شده است که مردم مانند روزهای ابتدایی به سریال های این شبکه اعتماد نداشته باشند و در این میان باید منتظر ماند و دید که کارگردانی مانند داوود میرباقری که کارنامه درخشانی را در خاطر مردم به یادگار گذاشته است، در عرصه شبکه نمایش خانگی هم می‌تواند رضایت مردم را جلب کند و نقطه پایانی بر بن بست شبکه نمایش خانگی بگذارد یا او نیز به سرنوشت همکاران آزمون پس داده اش دچار می‌شود؟